

اشتراکات و افتراقات خاندان‌های اهل حق

آرش گودرزی*

مهدی عسگری**

چکیده

اهل حق که «یارسان» نیز نامیده شده‌اند جریانی اعتقادی مذهبی هستند که در تقسیم‌بندی کلامی ذیل مذهب تشیع به حساب آورده شده‌اند. این جریان با تصوف مناسبات گوناگون داشته و آثاری از تفکرات زرتشتی و مزدیسنا در آن به چشم می‌خورد. زمان پیدایش این جریان را قرن دوم ه.ق. دانسته‌اند، اما بعدها در قرن هفتم ه.ق. این آیین تجدید شده، آیین خاصی برای آن در نظر گرفته می‌شود. نظام تداوم این تجدید در قالب تشکیل خاندان‌های یازده‌گانه از فرزندان سلطان اسحاق بوده است. این خاندان‌ها در اصل اعتقادات کلی با یکدیگر اشتراک دارند و در جزئیات برخی مسائل دیگر افتراقاتی دارند. در تحقیق حاضر، این اشتراکات و افتراقات تبیین خواهد شد. در نگارش مقاله، علاوه بر استفاده از منابع دست اول و کمیاب اهل حق، از مطالعات میدانی متعدد نیز بهره برده شده است.

کلیدواژه‌ها: خاندان‌های اهل حق، سلطان اسحاق، پردیور، جم‌خانه، دونادون.

* دانش‌آموخته دکتری، ادیان و عرفان، دانشگاه کیمبریج arashgoodarzy87@gmail.com
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم mahdiasgari541@gmail.com

مقدمه

اهل حق فرقه‌ای مذهبی با گرایش‌های عرفانی است که در تقسیم‌بندی کلامی ذیل فرق تشیع و جزء فرق غالی به حساب آورده شده است. این فرقه با نام «یارسان» نیز خوانده شده است. در وجه تسمیه آن گفته‌اند مقصود از «یار» خداوند و مقصود از «سان» سلطان اسحاق برزنجه‌ای از نوادگان امام موسی کاظم (ع) است (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت سوم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵). یارسان مردمانی هستند آریایی نژاد از شاخه هندواروپایی که حدود هزار سال قبل از میلاد به سرزمین فعلی کردستان آمده‌اند. بنا به اعتقاد بعضی از دانشمندان، این قوم از سواحل شمالی دریای بالتیک به منطقه زاگرس کوچ کردند و در این ناحیه ساکن شدند (طاهری، ۲۰۱۳: ۳۱). زبان مردم اهل حق کردی است، چنان‌که دفاتر کلام یارسان که متون اصلی اهل حق است نیز به همین زبان نگاشته شده است. این زبان دارای چندین شاخه از جمله کرمانجی شمالی، کرمانجی جنوبی، کرمانشانی، لری، اورامی و زازایی است (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۱).

پایه‌ریزی اولین اصول آیین یارسان را به بهلول ماهی در قرن دوم هجری نسبت داده‌اند. سلطان اسحاق برزنجه‌ای را نیز مجدد این آیین در حدود قرن هفتم ه.ق. دانسته‌اند که با وضع قواعد و قوانینی، شکلی نو به این آیین داده است.^۱ بنا بر قولی سلطان اسحاق از نوادگان میرسید علی همدانی است، چنان‌که در قرن دوم هجری اولین اصول این تفکر را بهلول ماهی پایه‌ریزی کرد و پس از گذشت چند دوره تاریخی (شامل دوره‌های تاریخی باباجلیل، باباسرهنگ، شاه‌خوشین، باباناس و شاه‌ویسقلی) در حدود قرن هفتم هجری به دست سلطان اسحاق تجدید و تقویت شد (مصاحبه با سید کرملله شاه‌ابراهیمی، قسمت اول، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۳). مهم‌ترین آداب و مناسک اهل حق عبارت‌اند از: آیین سرسپاری، تشکیل جم، به پا داشتن روزه (که بر دو نوع مرنو و قولطاس است)، ادای نذر و نیاز. همچنین، در آیین یارسان چهار رکن اخلاقی مهم ذکر شده که عبارت است از: «راستی» (به معنای درست‌کاری و صداقت)، «پاکی» (به معنای طهارت جسم و روح)، «نیستی» (به معنای گذشتن از انانیت درونی) و «ردا» (به معنای جوان‌مردی و فتوت) (مصاحبه با سید کرملله شاه‌ابراهیمی، قسمت ششم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۸).

منطقه «پردیور» به عنوان محل ظهور سلطان اسحاق از تقدس خاصی در نزد اهل حق برخوردار است، چنان‌که مقبره خود سلطان در این منطقه و در نزدیکی روستای نوسود، در پایه کرمانشاه، قرار گرفته است.

«پردیور» واژه‌ای اورامی است و از دو جزء «پرد» به معنای پل و «ور» به معنای طرف و سو تشکیل شده است که می‌توان واژه «پردیور» را به معنای آن سوی پل تعریف کرد، چنان‌که در آن زمان سلطان اسحاق و یارانش بر روی رودخانه سیروان پلی احداث می‌کنند و شهر پردیور در آن سوی پل قرار می‌گیرد. همچنین، این واژه به گونه‌ای دیگر نیز تعبیر می‌شود. بر این اساس که «ور» در زبان پهلوی و اورامی به معنای خورشید نیز هست. لذا پردیور به معنای پل خورشید و پل روشنایی است (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۳۰). از واژه «پردیور» به عنوان نام آن عصر و زمانی که سلطان در آن می‌زیسته نیز استفاده می‌شود. از آنجا که محل ظهور مجدد اهل حق، سلطان اسحاق برزنجه‌ای، منطقه پردیور واقع در کرمانشاه است، پایگاه اصلی آنها در ایران استان کرمانشاه است. جمعیت‌هایی دیگر از اهل حق از خاندان‌های مختلف در لرستان، همدان، تهران، ورامین، مازندران و آذربایجان نیز وجود دارند (مینورسکی، بی‌تا: ۵۵). با توجه به همجواری منطقه پردیور با کشور عراق کنونی، در این کشور نیز شاهد حضور خاندان‌هایی از اهل حق در شهرهایی همچون سلیمانیه و کرکوک هستیم.

چگونگی تشکیل خاندان‌های اهل حق

هفت خاندان اصلی اهل حق در قرن هفتم به دستور سلطان اسحاق تشکیل شدند و هر یک به نام مؤسسان خود نام گرفتند که عبارت‌اند از: ۱. خاندان عالی‌قلندری؛ ۲. خاندان شاه‌ابراهیمی؛ ۳. خاندان بابایادگاری؛ ۴. خاندان خاموشی؛ ۵. خاندان حاجی‌باویسی؛ ۶. خاندان میری؛ ۷. خاندان مصطفایی (عالی‌قلندری و دیگران، بی‌تا: ۱۳).

در عصر پردیور و هنگامی که خاندان‌ها در حال تشکیل بود سلطان اسحاق مسئولیت «پیر» بودن را نپذیرفت. سید مسعود افضلی در این باره می‌گوید:

پس از آنکه کلیه غلامان و درویشان و یاران پاک در حضور سلطان تکمیل شدند، سلطان سحاک بنیاد جوز شکستن^۲ گذاشت. همگی در پردیور از بزرگ و کوچک پیربنیامین را شرط حقیقت^۳ و سید محمد را پیر تخت^۴ نامیدند ...

سلطان یارسان طبق امر ظاهر مسئولیت‌های پیر و دلیلی را قبول نکرده و جمعاً به شرط و اقرار و تخت محول نموده و با توجه به کلام دیوان گوره پیر بنیامین پیر شرط و سید محمد گوره سوار پیر تخت خواهد بود (افضلی شاه‌ابراهیمی، ۲۰۱۱: ۲۱۴).

شایان ذکر است که برخی صاحب‌نظران اهل حق معتقدند تعداد خاندان‌هایی که ابتدا تشکیل شد پنج تا است. این صاحب‌نظران بر آنند که با توجه به اینکه عالی‌قلندر و بابایادگار فرزندی نداشته‌اند، در ابتدا از این دو، خاندانی منشعب نشده است (مصاحبه با سید مسعود افضلی شاه‌ابراهیمی، قسمت نهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۴).

بررسی کلام‌های پردیوری نشان می‌دهد که از هفت خاندان زمان سلطان، پنج خاندان یعنی شاه‌ابراهیمی (منسوب به شاه‌ابراهیم، فرزند سید محمد گوره‌سوار)، بلوفایی، حاجی‌باوعیسی، میری و مصطفایی از هفتوانه و دو خاندان دیگر یعنی عالی‌قلندری و یادگاری از هفتن هستند که این دو نیز در واقع یک ذات محسوب می‌شوند (عالی‌قلندری و دیگران، بی‌تا: ۱۴).^۵

بعدها و در قرن یازدهم چهار خاندان دیگر نیز تشکیل شدند که عبارت‌اند از: ۱. خاندان باباحیدری؛ ۲. خاندان آتش‌بگی؛ ۳. خاندان شاه‌هیاسی؛ ۳. خاندان ذوالنوری. چهار خاندان پسین هم خاندان‌های مقبول یاری هستند که به هیچ وجه نمی‌توان به وجودشان اشکال‌تراشی کرد و هر کس که چنین کند از یاری دور است (همان: ۱۳).

تعریف خاندان

خاندان عبارت است از شماری از مریدان که پیر مشخص و دلیل خود را دارند و یک مجموعه تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، خاندان یعنی گروهی متشکل از سیدها (پیرها)، دلیل‌ها و مریدانی که وابسته به همدیگرند. بررسی کلام‌ها نشان می‌دهد نکته بارز در تعریف خاندان، «پیر» است و نام خاندان نیز از نام پیر گرفته شده است. بنابراین، صرفاً وجود سیدهایی که پیری نیاز دارند، تشکیل‌دهنده خاندان نیست و در

تعریف خاندان ضرورتاً شماری از یاران غیرپیر و غیردلیل هم حضور دارند. یعنی نام خاندان از نام سرسلسله و شخصیت بزرگ و والای خاندانی گرفته شده است (همان: ۱۲).

اشتراکات خاندان‌های اهل حق

۱. ظهور سلطان اسحاق

اصل اعتقاد به ظهور سلطان اسحاق در تمامی خاندان‌ها یکسان است. او به عنوان مجدد آیین یارسان نزد تمامی خاندان‌های اهل حق محترم و محل توجه بوده و بارگاهش در منطقه پردیور (روستای نوسود در پناه کرمانشاه) از زیارتگاه‌های بسیار مهم یارسان است. شهر پردیور به گونه‌ای که در زمان سلطان اسحاق بوده است باقی نمانده، اما منطقه آن نزد اهل حق محترم است؛ چراکه اقامتگاه سلطان اسحاق بوده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۳۰). از سوی دیگر، دوره‌ای که سلطان اسحاق در این منطقه سکنا گزیده نیز به دوره پردیور مشهور شده است.

۲. آیین سرسپاری

آیین سرسپاری برای ورود به جامعه یارسان در نظر گرفته شده و در دو موضع انجام می‌شود: یکی هنگامی که نوزادی از اهل حق به دنیا می‌آید (که به این فرد چکیده می‌گویند) و دیگری هنگامی که فردی از غیر اهل حق قصد ورود به این آیین را دارد (که به این فرد چسبیده می‌گویند).

مراسم سرسپردگی چنین است که برای کسی که سر می‌سپارد یک خروس با دعدادان کارد سر می‌برند و آن را فقط با چاشنی نمک می‌پزند، بدون اینکه کسی از آن بچشد. ضمناً مقداری برنج که در حد امکان از نیم من کمتر نباشد پلو می‌کنند و آن را در جم، یعنی در حضور خلیفه (سید) و خادم (کاک) و هرچند نفر دیگر که حاضر باشند، دعا می‌دهند و پس از تقسیم مساوی بین حاضران و خانواده و خواندن دعای سفره نیاز با یک عدد جوز حاضر می‌کنند. هنگام نیاز جوز، کاک خدمت جم را عهده‌دار می‌شود. سید، که وکیل پیر است، جوز را خرد می‌کند و خادم، آن را همراه با نیاز^۶ در جم تقسیم می‌کند. سید دعای جوز را می‌خواند. سپس خادم در حالی که یک

دست زمین گذارده با دست راست خود با حاضران در جم دست‌بوسی می‌کند. کسی که سر می‌سپارد در صورتی که بالغ باشد با دست چپ قبا (کت) دلیل را گرفته و با دست راست با جم‌نشین دست‌بوسی می‌کند و اگر کودک باشد برای او وکیل تعیین می‌شود (القاسی، بی تا: ۳۵).

سید محمد حسینی از سرسپاری به عنوان ششمین شرط یاری یاد می‌کند و درباره سرسپاری فرد چسبیده می‌گوید:

این عمل چون برای نوزادان یارسانی در طفولیت انجام می‌پذیرد وظیفه سنگینی است که عهده‌دار آن والدین و یا ولی این طفل می‌باشد. پس افراد چکیده یارسانی، یعنی افرادی که نسل اندر نسل طایفه بوده‌اند، مطمئناً عمل سرسپاری را در طفولیت توسط والدین انجام داده‌اند (حسینی و آژنگ، ۲۰۱۱: ۴۲).

از جمله اموری که در مراسم سرسپاری انجام می‌پذیرد شکستن جوز است. دعایی که به هنگام شکستن جوز خوانده می‌شود به این شرح است:

ارادت پیروی کل صفات، بنده از قول حقیقت، الحمدلله، سردادن به رضای خدا، از قول اشهد ان لا اله الا الله، امت از حضرت محمد رسول الله، ملت از براهیم خلیل الله، مذهب امام جعفر اولیا، داخل شدیم به سلسله پنج تن آل عبا، سردادن یاران، پیروی دین و ارکان، قایمی دین ارکان و میزان، دل نلخشد از خدا، اگر سرم چون گوی در میدان بگردد دلم از عهد و پیمان یاری برنگردد، شاه تو باشی، تا تو باشی، جمع جم آدم صفی الله و قطار یدالله، پیروی دین محمد مصطفی (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی قلندری، قسمت چهارم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵).^۷

۳. انعقاد جم

پیشینه تشکیل جم مقارن با تشکیل خانقاه بوده است. ابتدا در دوره بهلول ماهی در قرن سوم و سپس در دوره باباسرهنگ و باباجلیل در قرن چهارم هجری رواج داشته است. به علت جو حاکم و موقعیت زمان و مکان در آن ادوار، تشکیل جم، سری و محرمانه

بوده است، اما در دوره شاه‌خوشین در قرن پنجم به علت آزادی نسبی که حکام وقت به صوفیه و یارسان روا داشتند، تا حدودی آزادانه اجرا می‌شده است. بعد از دوره شاه‌خوشین و در دوره بابانائوس در اوایل قرن ششم هجری اختناق و ضدیت با علویان و یاران حق و حقیقت دوباره اوج گرفت و یاران مراسم خود را پنهانی و محرمانه انجام می‌دادند (شاه‌ابراهیمی، بی‌تا: ۲ و ۳).

در قرن هفتم و هشتم، سلطان اسحاق به ساختن سه جم‌خانه امر می‌کند: یکی برای مردان بالغ، دیگری برای مردان بی‌شارب و کودکان، و سومین برای زنان و نوزادان (همان). کلام سلطان اسحاق چنین است:

یری جم‌خانان بونی میدان دایری جم‌خانان

اولیش پی جم میردیگانان دوهم پری ژن زاروی زمانان

سمیش پری بی سکه و سانان میردان نه جم نیشود وجیا ...

ترجمه: سه جم‌خانه، بایستی پیش‌قدم شوید و سه جم‌خانه بسازید، اولین برای جم مردان بالغ و کامل و سرسپرده‌مُهر و میزان، دومین برای زنان و نوزادان کم‌سن و سال، سومین برای آنان که هنوز شارب و ریش درنیآورده‌اند، مردان بالغ باید جدا در جم‌خانه بنشینند (همان: ۳۷).

به عقیده برخی از صاحب‌نظران، لغت «جم» برگرفته از لغت «جمع» است که ناظر به یکی از مقامات مطرح در عرفان است. مقام «جمع» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «جمع در اصطلاح این طایفه مقابل فرق است و «فرق» احتجاب است از حق به خلق، یعنی همه خلق ببند و حق را من کلّ الوجوه غیر داند و جمع مشاهده حق است بی‌خلق و این مرتبه فنای سالک است چه تا زمانی که هستی سالک بر جای باشد، شهود حق بی‌خلق نیست» (لاهیجی، ۱۳۹۰: ۲۴). حضور در جم‌خانه رعایت آداب مختلف را می‌طلبد، از جمله: طهارت، نیت و اراده، پوشاندن سر با کلاه، بستن کمر، مراقبه، ذکر، محبت (شاه‌ابراهیمی، بی‌تا: ۶). به عقیده برخی از صاحب‌نظران اهل حق، کلاه‌گذاشتن و کمر بستن از آیین مهرپرستی، کف‌زدن، سماع و ذکر از آیین درویشی و اصطلاحاتی که در جم به کار می‌رود از مذهب تشیع اخذ شده است (مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت اول، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۳).

در ادامه توضیحاتی درباره آیین جم‌خانه می‌آوریم:

الف. طهارت: طهارت در اینجا هم طهارت ظاهری را شامل می‌شود که به معنای تنظیف و آراستگی است و هم طهارت باطنی را در بر می‌گیرد که عبارت است از تزکیه نفس و ترک اخلاق مذموم.

ب. اراده: از دیدگاه اهل حق، اراده ابتدای حرکت سالک به سمت حضرت حق است، چنان‌که از آن به عنوان یکی از مقامات سلوک به سمت حضرت حق در عرفان اسلامی یاد شده است.

ج. پوشاندن سر با کلاه: پوشاندن سر در ادیان مختلف همچون مزدیسنا، یهودیت و مسیحیت وجود داشته است. در آیین یارسان گذاشتن کلاه بر سر از زمان بهلول رواج پیدا می‌کند. در ایران، صوفیه کلاه خود را به قسمت‌هایی به نام «ترک» تقسیم می‌کردند که هر ترکی نشان از ترک کردن صفتی مذموم بوده است. این کلاه در بین صوفیه به تاج فقر مشهور بوده است (شاه‌ابراهیمی، بی‌تا: ۹).

هدف از پوشاندن سر با کلاه، دورکردن افکار پلید و ناپاکی‌های درونی است. لذا احتمال آنکه صوفیه هم از روش بهلول استفاده کرده باشند وجود دارد (همان: ۱۳).

د. کمر بستن: بعضی از مشایخ صوفیه و یارسان کمر بستن را با عنوان زُنار بستن در نوشته‌های خود آورده‌اند. در آیین یارسان کمر بستن نشانه عقد خدمت است و از زمان سلطان اسحاق برای حضور در جم مرسوم بوده است (همان: ۱۵). باباحیدر در بند کلامی می‌گوید:

نوشانم پیاله ساقی کوثر پا تکبیر جم بستانم کمر

ترجمه: از دست ساقی کوثر می‌الست نوشیدم، به خاطر بزرگ‌داشت و انجام

اعمال جم کمر بستم.

هـ. مراقبه و ذکر: مراقبه در شریعت حضور قلب و در آیین یارسان «لاره‌مل» یا «گردن لار» است. در آیین یارسان به مراقبه سفارش بسیار شده است. شیخ امیر در بند کلامی می‌گوید:

پاسه‌وانه نیم چه یانه خویش بیداری مان هن خیال و تشویش

ترجمه: از درون خویش پاسبانی می‌کنم، در بیداری خیالات و تشویش به ما

روی می‌آورد (همان: ۲۰).

و. ذکر: ذکر در مراسم‌های جم‌خانه بر چهار نوع است که عبارت‌اند از: ذکر تقلیدی، ذکر تحقیقی، ذکر جلی و ذکر خفی (همان: ۲۳). شیخ امیر درباره ذکر می‌گوید:

خروس و اناوه خروس ذکر ذات سبحان و اناه
مرغان و آواز زمزمه خوش‌خو و انان ذکرات حی لا یمو
آفریدگان جن و انس یکسر سر بران و ذکر سجود اکبر
ترجمه: خروس ندای صبحگاهی سر می‌دهد و ذکر ذات سبحان را می‌گوید،
تمام مرغان با آواز و زمزمه ملکوتی، ذکر ذات حی لا یموت را می‌خوانند و
تسبیح گو هستند، آفریدگان جملگی از جن و انس، با ذکر و نیایش سر بر
سجده خالق بزرگ فرود می‌آورند (همان: ۲۲).

ز. محبت: از دیگر آداب جم‌خانه ایجاد محبت و عشق است که دل از اغیار باز داشته شده و متوجه عشق الاهی می‌گردد.^۸
شایان ذکر است که برای انعقاد عقد ازدواج نیز جم منعقد می‌گردد (حسینی، ۲۰۱۵: ۲۱۱).

۴. دونادون

اعتقاد به دونادون بر این اساس است که یک روح انسانی در ادوار مختلف در اشخاص مختلف تجلی و ظهور پیدا می‌کند و جامه‌های متعدد به خود می‌گیرد و این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه در نهایت در دون هزارویکم، روح بقای جاودان می‌یابد. هر روح به امر حق به جسم یک انسان تعلق می‌گیرد و بعد از آن در صورت شایستگی (یعنی در صورتی که این فرد اعمال شایسته‌ای انجام داده باشد) به جسم انسان دیگری منتقل می‌شود و این انتقال^۹ تا هزار مرتبه ادامه پیدا می‌کند (مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوم، کرمانشاه، ۲۳/۸/۹۴).

از جمله کلام‌های نقل‌شده درباره دونادون می‌توان به کلام شیخ امیر اشاره کرد که از خداوند درخواست می‌کند از دونادون خلاصی یابد و دوباره متولد نشود:

یا حق دست رد نئی و چالم هزار کردم ی دوارم من نیم طاقت لالای گواره
ترجمه: یا حق دست رد بر سینه من نزن، هزار بار من جامه نو کردم، دیگر

طافت به دنیا آمدن و گهواره را ندارم (مصاحبه تلفنی با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت هفدهم، ۹۵/۶/۱۵).

از بابایادگار نیز این‌گونه نقل شده است:
لباس باقی پوشانم ژنو
ترجمه: مجدداً لباس بقا پوشیدم (اکبری، بی‌تا: ۳۴).

همچنین قاموس (از چهلتن) می‌گوید:
نه پردیور داپیمان دالباس
ترجمه: در پردیور ما را به جامه بشری ملبس کرد (همان: ۳۵).

واژه «دونادون» از سه قسمت تشکیل یافته است که عبارت است از دو واژه «دون» به همراه الفی مابین آنها. الف در اینجا نقش پیوند دادن دو کلمه را ایفا می‌کند. «دون» در زبان فارسی به معنای پایین، فرود، پست، سفله و همچنین غیر و جزء است. در کلام اهل حق، دون به معنای جامه است؛ چراکه از زبان فارسی مأخوذ نشده و دارای ریشه‌ای ترکی است. بر این اساس، مقصود از دون، قالب و جامه‌ای است که روح در خلال زندگی جسمانی دارد (همان: ۱۹).

در کلام اهل حق، چندین اصطلاح به کار رفته که همگی معنا و مفهوم «دونادون» را دارند. این اصطلاحات عبارت‌اند از: مظهر، جامه، قالب، لباس، صورت، برگ، مایه، یورت، پلاس، ورق، جسم، قوا، بارگه و هَلت (همان: ۳۲). اندیشه دونادون می‌تواند به نوعی ناظر به بحث تناسخ باشد. صاحب‌نظران اهل حق درباره وجه افتراق دونادون و تناسخ دو تفاوت را برشمرده‌اند:

۱. در تناسخ هیچ اعتقادی به معاد وجود ندارد، اما در دونادون وجود معاد حتمی است (همان: ۲۶).

۲. برخی از قائلان به تناسخ مانند هندوها خوردن گوشت حیوانات را ممنوع می‌دانند، اما اهل حق در عین اینکه آزار حیوانات را ممنوع می‌شمرند، کشتن و قربانی کردن حیوانات برای نذر و خوردن گوشت آنها را جایز می‌دانند (همان: ۲۷).

۵. روزه

روزه در اهل حق در اصل سه شبانه‌روز معادل ۷۲ ساعت بوده است. بعدها به دلیل اینکه زندگانی‌ها ایللیاتی بوده و مردم اهل حق مدام در حال کوچ بوده‌اند بنیامین به نزد سلطان اسحاق می‌رود و می‌گوید این روزه برای مردم دشوار است. لذا در اینجا روزه به دو قسمت تقسیم می‌شود و مقرر می‌شود که قسمتی از مردم روزه اول و قسمت دیگر روزه دوم را به جای آورند (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت هفتم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۹). در اینجا به توضیح این دو قسمت خواهیم پرداخت:

الف. روزه مرنو

درباره زمان به جای آوردن روزه مرنو باید توجه داشت که در تقویم ایللیاتی زمستان، بنا بر قولی، از اول و بنا بر قول دیگر، از پانزدهم آبان شروع می‌شود و دو ماه جلوتر از تقویم شمسی است. چهل زمستان این تقویم عبارت است از دوازدهم آن ماه قمری که با آن چله مصادف شده است. این تاریخ که زمان به جا آوردن روزه مرنو است اغلب در تاریخ دوازدهم آبان ماه هر سال واقع می‌شود که به همراه سیزدهم و چهاردهم آبان به مدت سه روز، روزه به جای آورده می‌شود (همان؛ مصاحبه با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوازدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۹). تمام مناطق غرب کشور تا عراق روزه مرنو را به جای می‌آورند (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت هفتم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۹). این روزه به مناسبت پناه‌بردن یاران سلطان اسحاق به غار مرنو به هنگام حمله سپاه چیچک است (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۰۱). لذا سلطان اسحاق را بانی روزه مرنو دانسته‌اند (افضلی شاه‌ابراهیمی، ۲۰۱۱: ۳۵۲).

ب. روزه قولطاس

در روزه قولطاس، پانزدهم آن ماه قمری که چله در آن واقع شده است مد نظر قرار می‌گیرد (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت هفتم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۹). در حال حاضر، در صحنه و برخی مناطق دیگر، هم روزه مرنو و هم قولطاس به جا آورده می‌شود (همان). سید ابراهیم را بانی روزه قولطاس دانسته‌اند که در واقع این روزه را به نام جمعی از یاران خود «یاران قولطاس» نام‌گذاری کرده است. یاران قولطاس

عبارت‌اند از: شاه‌قلی، شاه‌نظر، شاکه، سلمان، قنبر و یار دلاور (افضلی شاه‌ابراهیمی، ۲۰۱۱: ۳۴۹ و ۳۵۲).

دعای روزه

روزه در اهل حق به همراه غسل مخصوص به خود به جای آورده می‌شود و همانند مناسک دیگر اهل حق دارای دعای خاص به خود است که به زبان کردی است. ترجمه قسمتی از این دعا به این شرح است: «این پاکی و طهارت را برای نیت کردن جهت به جای آوردن روزه یاری انجام می‌دهم تا پاک و مطهر شوم و شرط و اقرار پرديوری را به جای آورم» (حسینی، ۲۰۱۴ الف، دفتر اول: ۲۸۰).

۶. شارب

شارب در نزد اهل حق از جایگاه مهمی برخوردار است و محترم‌شمردن آن بر تمامی جامعه یارسان لازم و ضروری است. کلام‌های متعددی از بزرگان یارسان در این زمینه وجود دارد، از جمله اینکه در کلامی از شیخ امیر از شارب با عنوان «زرّ یاری» یاد شده است که به منزله شرط و اقرار است (مکاتبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت چهاردهم، ۹۴/۸/۳۰). سید محمد حسینی با اشاره به نقش مهم شارب در اهل حق، صرف داشتن آن را برای شخصی که عضو جامعه یارسان است کافی ندانسته و مشخصه‌های باطنی را نیز لازم می‌داند:

سبیل یکی از نشانه‌های ظاهری یارسان است و تنها داشتن آن برای فردی که ادعای یاری داشته باشد کافی نیست بلکه درون و باطن هم باید تحت فرامین سلطان و کلام باشد. چون سلطان در دیوان گوره مرتب یاران را به باطن‌داری و پاکیزگی درونی سفارش نموده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۰۷).

۷. اعتقاد به مظهریت امام علی (ع)

در اعتقاد اهل حق، امام علی (ع) تجلی‌ای از نور الاهی بوده و هیچ وجه الوهیتی برای حضرتش در نظر گرفته نشده است. این مطلبی است که در تمامی مطالعات میدانی نگارنده، بزرگان اهل حق بدان اذعان کرده‌اند.

۸. شیطان

در آیین یارسان و جهان‌بینی خاندان‌های اهل حق پرستش فقط ویژه خداوند یکتا است و هیچ موجودی جز او شایسته پرستش و ستایش نیست. طبق این تفکر، شیطان یکی از مخلوقات خدا است که صرفاً وظیفه محوله خود را انجام می‌دهد (مکاتبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت چهاردهم، ۹۴/۸/۳۰). در کلام اهل حق از قول سلطان اسحاق این‌گونه آمده است:

شیطان رهنمای بنه بریمن خلات آخر راگه شرعیمن

ترجمه: شیطان راهنما و هادی بنده عاصی و رانده‌شده است، خلعت و پاداش در آخر به شریعت‌داران تعلق می‌گیرد (همان).

۹. جایگاه مقدس نان

نان در فرهنگ ایرانیان ارزش والایی دارد. این ارزش در میان جامعه اهل حق دوچندان است. ارزش و تقدس نان در آیین یاری طوری است که پختن آن را نوعی کردار^{۱۰} تلقی کرده‌اند. در این آیین ارزش نان به حدی است که کامل‌ترین زن یارسانی، یعنی خاتون رمزبار، پختن آن را یکی از افتخارات خود می‌داند (حسینی، ۲۰۱۴ الف، دفتر دوم: ۲۹۷). انواع نان نزد اهل حق عبارت‌اند از: تیری، گرده، ساجی، تپتی، فتیره، بژی، برساق، پیکه، پیچکینه و کولیره (همان: ۲۹۹-۳۱۲). استفاده اصلی نان تیری در مراسم مذهبی و برای پیچیدن نویچه است. نویچه از گوشت و برنج تشکیل شده است. برای تهیه نان تیری از خمیر مایه استفاده نمی‌شود تا آب و چربی گوشت و برنج درون خود را به لایه‌های بیرونی سرایت ندهد و مواد داخل آن برای مدتی تازه و مرطوب بمانند (همان: ۲۹۹).

افتراقات خاندان‌های اهل حق

۱. تعداد خاندان‌های اصلی

در بین صاحب‌نظران اهل حق درباره تعداد خاندان‌های اصلی و پردیوری که در زمان سلطان اسحاق تشکیل شده‌اند اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر صاحب‌نظران آنها را هفت عدد می‌دانند، اما از دیدگاه برخی تعداد آنها پنج عدد بوده است. این

صاحب‌نظران معتقدند با توجه به اینکه عالی‌قلندر و بابایادگار فرزندی نداشته‌اند در ابتدا از این دو، خاندانی منشعب نشده است (مصاحبه با سید مسعود افضل‌ی شاه‌ابراهیمی، قسمت نهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۴).

۲. چگونگی سیادت برخی خاندان‌ها

اگر در تشکیل خاندان‌ها مبنا این‌چنین در نظر گرفته شود که کل هفتن که به تشکیل خاندان‌ها اقدام کرده‌اند، فرزند سلطان اسحاق باشند، سیادت تمامی آنها محرز است، اما اختلاف نظر در این خصوص باعث شده است دیدگاه‌های مختلفی مطرح شود، چنان‌که محمدعلی سلطانی از دو اصطلاح «سید نیایی» و «سید نژادی» استفاده می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۷).

۳. دیدگاه‌های متفاوت خاندان آتش‌بگی

در میان خاندان‌های اهل حق خاندان آتش‌بگی دیدگاه‌هایی دارند که خاص این خاندان است. نکته اصلی در رویکرد این خاندان التزام کامل به شریعت اسلام و برپایی عبادات اسلامی است. در کنار این رویکرد اعتقاد به آیین یاری نیز حفظ شده و در واقع از آن به مثابه نوعی طریقت استفاده می‌شود. بر این مبنا، پیروان این خاندان معتقدند مذهب ما تشیع و مسلک ما اهل حق است (مطالعات میدانی، قسمت پانزدهم).

۴. تاریخ تولد سلطان اسحاق برزنجه‌ای

از آنجا که سلطان اسحاق، به عنوان مجدد آیین یاری، نزد اهل حق جایگاه والایی دارد صاحب‌نظران مختلفی درباره زندگانی او اظهارنظر کرده‌اند. در کنار اظهارنظرهای مختلفی که از زندگانی او شده، تاریخ تولدش به صورت‌های مختلفی روایت شده است. ولادت او را برخی ۴۴۵ ه.ق. و گروهی ۵۲۸ و عده‌ای ۶۵۰ و بعضی ۶۱۲ و جمعی اوایل قرن هفتم هجری دانسته‌اند (صفی‌زاده، ۱۳۵۷: ۱۳۳).

۵. تاریخ عید یاری

با توجه به اینکه روزه در اهل حق به دو قسمت مرنو و قولطاس تقسیم شده و بر

اساس تقویم ایلیاتی گرمسیری لحاظ می‌شود، بعضاً در تعیین تاریخ عید یاری تفاوت‌هایی وجود دارد.^{۱۱}

۶. گویش زبان کردی مقدس

زبان کردی شعب و گویش‌های متعددی دارد. برخی از صاحب‌نظران اهل حق معتقدند تنها گویش «هورامی» (اورامی) گویش مقدس یارسان است و کلام‌هایی هم که در مراسم آیینی خوانده می‌شود باید با این گویش اجرا شود (مصاحبه با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوازدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۹). نژاد کرد نمودار طوایف زاگروس، گوتی، لولو، کاسی، ناپری، میتانی، سوباری، ماناثی، اورارتو، و کردوک است که در روزگار کهن در سرزمین زاگرس یا کردستان ساکن بوده‌اند و با طوایف هندواروپایی به هم پیوسته‌اند و از یک نژادند. امروزه زبان کردی زبانی مستقل و تأییدشده در علم زبان‌شناسی است و زبانی زنده و فعال محسوب می‌شود. این زبان دارای چندین شاخه از جمله کرمانجی شمالی، کرمانجی جنوبی، کرمانشانی، لری، اورامی و زازایی است (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

گویش اورامی از گویش‌هایی است که ادبیات شفاهی و کتب غنی‌ای دارد. کتب اورامی به خطی از کردی نوشته می‌شود که بر مبنای الفبای عربی قرار دارد. قدمت این خط که قدیمی‌ترین خط کردی است و از انطباق الفبای عربی با آواهای کردی به وجود آمده به قرون وسطا می‌رسد (همان: ۱۳۱).

۷. چگونگی تعامل با خاکسار

بنا بر اعتقادی که سالیان متمادی در اهل حق وجود داشته است، ورود افراد اهل طریقت به آیین یاری از طریق خاندان شاه‌هیاسی صورت می‌پذیرد. به افرادی که این‌گونه وارد جامعه یارسان می‌شوند «چسبیده» می‌گویند، چنان‌که به افرادی که از ابتدا جزء خاندان‌های اهل حق بوده‌اند «چکیده» می‌گویند. ورود اهل شریعت نیز از طریق خاندان میر صورت می‌پذیرد. با وجود این، در سال‌های اخیر خاندان‌های دیگری هم اقدام به سرگرفتن می‌کنند. از دید کسانی که بر این روال عمل می‌کنند، اینکه فرد یارسانی مرید یک شخص باشد و ارشادات خود را از او اخذ کند در حالی که نزد

شخص دیگری سر بسپارد درست به نظر نمی‌رسد (مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۳).

با وجود اینکه برای ورود اهل شریعت به آیین یارسان در متون اهل حق سند کلامی وجود دارد اما برای ورود اهل طریقت و بالأخص خاکسار سند کلامی‌ای وجود ندارد (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت چهارم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵) و این مسئله ناشی از توافقی بوده که در برهه‌ای از تاریخ بین خاکسار و خاندان شاه‌هیاس به وجود آمده است. صرف نظر از چرایی به وجود آمدن این توافق، در برهه‌های دیگری از تاریخ خاکسار، شاهد آنیم که سرسپردگی به خاندانی غیر از خاندان شاه‌هیاسی صورت می‌پذیرد. لذا شاهد رویکردهای متفاوت خاندان‌های اهل حق درباره خاکسار هستیم.

۸. پرهیز برخی خاندان‌ها از خوردن خروس

خروس در آیین یارسان جایگاه مهمی دارد، چنان‌که یکی از ملزوماتی که به هنگام سرسپاری در جم‌خانه باید حاضر شود خروس است. خروس با آداب خاصی طبخ شده و با رعایت اصول خاصی در بین حضار تقسیم می‌شود (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت چهارم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵). در خاندان ذوالنوری عده‌ای از افراد خروس را تناول نمی‌کنند و علت آن را این‌گونه ذکر می‌کنند که در جریان رخدادی تاریخی، خروس به حقانیت یارسان شهادت داده است (مصاحبه با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوازدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۹). البته این مسئله کلیت ندارد و سیدی از خاندان ذوالنوری که نگارنده در کرمانشاه با ایشان دیدار داشت منعی برای تناول خروس قائل نبود.^{۱۲}

۹. چارچوب موسیقی مقدس

موسیقی از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در آیین یارسان داشته است. آلت موسیقی مقدس اهل حق «تنبور» نام دارد. پیشینه نواختن تنبور به دوره خرم‌دینان و سپس شاه‌خوشین باز می‌گردد. در دوران شاه‌خوشین جنبه‌های تفننی تنبور حذف شد و این ساز شکلی کاملاً آیینی به خود گرفت (سلطانی، ۱۳۸۰: ۲۵). سنت موسیقیایی سرشار طریقت مولویه و بکتاشیه نیز قرابت خاصی با سنت موسیقیایی اهل حق دارد (محمدزاده صدیق، ۱۳۹۳: ۵۱).

تنبور به علت تقدس و حالت روحانی‌اش، در هر مجلس و محفلی نواخته نمی‌شود و استفاده‌های اصلی آن در جم‌خانه‌ها، اماکن و زیارتگاه‌های مقدس و مراسم سوگواری است (کاکي، ۱۳۸۸: ۱۴۴). سید خلیل عالی‌نژاد درباره تنبور می‌گوید:

دوران شاه‌خوشین معاصر با سلطنت سلجوقیان بوده است و از آن زمان تاکنون جامعه اهل حق تنبور را ساز شاه‌خوشین می‌نامند ... بدین ترتیب تنبور نزد یاران اهل حقیقت چنان منزلتی یافت که ملقب به نداءالحق گردید و چنین شد که سرسپردگان وادی مذکور چنان محترم و عزیزش بدانند که هیچ‌گاه مقام حقانی‌اش را با اجرای الحان بی‌مقدار نیالایند و هرگز بی‌طهارت ظاهر و باطن دست بر دستش نهند (عالی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

حال با توجه به قداست تنبور نزد اهل حق، رویکرد افراد مختلف از خاندان‌های مختلف به آن متفاوت است، چنان‌که به عقیده برخی آنچه با این ساز اجرا می‌شود باید در ۷۲ مقامی که از دیرباز در سنت یارسان بوده محدود شود (مصاحبه با یکی از مطلعان از طریقت خاکسار، قسمت سیزدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۸).

از دیدگاه برخی دیگر اجرای هر موسیقی‌ای که از لحاظ ساختار و محتوا حالات معنوی و عرفانی را در بر داشته باشد، با تنبور بلامانع است (مصاحبه با سید سیف‌علی عالی‌قلندری، قسمت چهارم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵).

از سوی دیگر، سبک نواختن و خواندن به همراه ساز در صحنه و گوران (به عنوان دو پایگاه مهم تنبورنوازی) متفاوت است. درباره تعداد مقام‌های ساز تنبور نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما نظر اکثریت، وجود ۷۲ مقام است. این مقام‌ها هیچ‌گونه شباهتی به موسیقی امروز ایران و حتی موسیقی کنونی کردی ندارند (کاکي، ۱۳۸۸: ۶۰).

موسیقی اهل حق ممکن است معانی و مفاهیم متعددی در بر داشته باشد، از جمله: دعا و مناجات، حماسه، سوگواری، سرور و خوشحالی (همان: ۱۶۱). مقام‌هایی که با تنبور نواخته می‌شود به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: مقام‌های کلام، مقام‌های مجلسی، مقام‌های مجازی.

نتیجه

اهل حق (یارسان) دارای یازده خاندان است که، بنا به قول اکثر صاحب‌نظران اهل حق، هفت عدد از این خاندان‌ها در زمان سلطان اسحاق برزنجه‌ای (دوران پردیور) و چهار خاندان دیگر بعدها و در حدود قرن یازدهم شکل گرفته‌اند. پیشینه تاریخی آیین یارسان دو خاستگاه مهم در آموزه‌های مذهب تشیع و آیین ایران باستان دارد. قدیمی‌ترین متونی که از بزرگان یارسان بر جای مانده با عنوان «کلام» خوانده می‌شود که نزد اهل حق قداست خاصی دارد. این خاندان‌ها در اصل امور اعتقادی و مناسک کلی با یکدیگر مشترک‌اند و در برخی جزئیات متفاوت. البته خاندان آتش‌بگی استثنائاً دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به دیگر خاندان‌ها دارد. این خاندان به چارچوب کلی آیین یارسان معتقد است، اما خود را به انجام‌دادن همه فرایض دینی موجود در مذهب تشیع ملزم می‌داند. به نظر می‌رسد فضای فکری خاندان آتش‌بگی به نوعی از حالت اسطوره‌ای فاصله گرفته است.

بنا بر نظریه‌ای مبنی بر اینکه هفت شخصیتی که در ابتدا هفت خاندان اصلی را تشکیل دادند فرزند سلطان اسحاق باشند، تمامی این خاندان‌ها از سادات‌اند؛ چراکه سلطان اسحاق فرزند سید عیسی برزنجه‌ای و او فرزند میرسید علی همدانی است. در مطالعات میدانی به عمل آمده مشخص شد اطلاعات موجود در تحقیقاتی که تاکنون انجام پذیرفته قابل ارتقای بیش از پیش است، چنان‌که درباره تاریخ اهل حق پژوهش‌های صورت پذیرفته اندک بوده و نگاشته حاضر می‌تواند نقطه شروعی برای کار جدی محققان در این زمینه باشد.

اهل حق اکنون جمعیت در خور توجهی را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. اگر جامعه اهل حق خواهان تعامل مثبت با دنیای امروز است باید آنچه از تاریخ خود بیان می‌کند قابل استناد و اثبات تاریخی باشد. از سوی دیگر، محققان این حوزه در کشور باید در فضایی به دور از پیش‌داوری فعالیت کنند و با انجام‌دادن مطالعات میدانی و تطبیق تاریخی به اندک کار انجام‌شده کفایت نکنند؛ چراکه نتیجه‌اش تکرار مکررات است و بس.

بر پایه مطالعات میدانی، صاحب‌نظران متعددی از اهل حق وجود دارند که از دید آنان حیطة تاریخ و چارچوب اسطوره دو چیز متفاوت است و در بررسی وقایع تاریخی

اهل حق محدوده این دو را متمایز می‌شمرند. با ایجاد تعاملی مثبت از سوی نهادهای علمی و صاحب‌نظران اهل حق و در فضایی به دور از تعصب و پیش‌داوری می‌توان بسیاری از ناشناخته‌های تاریخی این آیین را بازشناخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. برزنجی یکی از روستاهای منطقه شهرزور کردستان است که قسمت شرقی آن متصل به خاک ایران است. برزنجی محل اسکان ساداتی بوده که از همدان به آنجا مهاجرت کردند (حسینی، ۲۰۱۰: ۶۹).
۲. جوز میوه‌ای شبیه به گردو با بویی معطر است. بنا بر مطالعات میدانی، جوز از هند وارد طریقت خاکسار و از آنجا وارد اهل حق شده است.
۳. پیر شرط شخصی است که سرسپردگی در نزد او انجام شده و از او تبعیت می‌شود.
۴. پیر تخت شخصی است که به نوعی سمت پیشوایی را بر عهده دارد.
۵. البته محمدعلی سلطانی معتقد است هر هفت خاندان از هفتوانه هستند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۷).
۶. مقصود از نیاز در اینجا همان ندزی است که با رعایت آداب خاص آماده شده است، اما نیاز در آیین یارسان مفهوم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، چنان‌که سید محمد حسینی می‌گوید: «نیاز نیایش مردم یارسان است» (حسینی، ۲۰۱۴ ب: ۱۲).
۷. آنچه در این دعا بروز و نمود دارد ریشه‌های اعتقادی ناب شیعی است.
۸. در اینجا مقصود به وجود آوردن زمینه‌ها و مقدماتی است که حب حضرت حق را در دل زنده می‌کند.
۹. در اعتقاد اهل حق در انتقال انجام‌شده قید شایستگی دخیل است. لذا ممکن است جاودانگی برای یک روح بیشتر از هزار دون به طول بینجامد.
۱۰. «کردار» در نزد اهل حق به معنای عبادت است.
۱۱. درباره روزه و مسائل مربوط به آن در قسمت اشتراکات خاندان‌ها توضیح داده شد.
۱۲. در کل در بحث پرهیز از تناول خروس، سندیت کلامی وجود نداشته و صرفاً بحثی اعتقادی است (مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت اول «کرمانشاه، ۲۳/۸/۹۴»).

منابع

- افضلی شاه‌ابراهیمی، سید مسعود (۲۰۱۱). *سیری به سوی خاندان سید محمد گوره سوار*، اربیل: چاپ‌خانه روژ هلات، چاپ اول.
- اکبری، سید محمد (بی‌تا). *گلستان یارسان*، بی‌جا: بی‌نا، ج ۱.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۷). *دیوان گوره*، تهران: انتشارات باغ نی، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۲۰۱۰). *روح‌تو: از شاهو تا برزنجه*، سلیمانیه: انسیتو فرهنگی کرد، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۲۰۱۴ الف). *جستاری در آیین یاری*، دفتر اول و دوم، سلیمانیه: انسیتو فرهنگی کرد، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۲۰۱۴ ب). *یار جو یار*، سلیمانیه: انسیتو فرهنگی کرد، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۲۰۱۵). *جستاری در آیین یاری*، دفتر چهارم، سلیمانیه، ناشر: مؤلف.
- حسینی، سید محمد؛ آژنگ، سید حشمت (۲۰۱۱). *یار وریا: هفتاد و دو شرط یاری*، سلیمانیه: انسیتو فرهنگی کرد، چاپ اول.
- رضوی، ثریا (۱۳۸۸). *پژوهشی در ادب اورامی با تکیه بر دفتر سرانجام*، استاد راهنما: میرجلال‌الدین کزازی، استاد مشاور: آریتا همدانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران مرکز.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۰). *قیام و نهضت علویان زاگرس*، تهران: انتشارات سها.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۱). *خاندان‌های حقیقت و مشاهیر متأخر اهل حق در کرمانشاه*، تهران: انتشارات سها.
- شاه‌ابراهیمی، سید کریم‌الله (بی‌تا). *جم‌خانه و آیین آن*، کرمانشاه: بی‌نا.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۵۷). «سلطان اسحاق و آیین یارسان»، در: *بررسی‌های تاریخی*، ش ۷۷، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- طاهری، طیب (۲۰۱۳). *تاریخ و فلسفه سرانجام*، اربیل: چاپ‌خانه موکریانی، چاپ اول.
- عالی قلندری، سید سیف‌علی؛ و جمعی دیگر (بی‌تا). *شناخت خاندان عالی قلندر*، کرمانشاه: بی‌نا.
- عالی‌نژاد، سید خلیل (۱۳۸۴). *تنبور از دیرباز تاکنون*، تهران: انتشارات دانش و فن، چاپ اول.
- القاسی، مجید (بی‌تا). *آیین یاری*، بی‌جا: بی‌نا.
- کاکای، حیدر (۱۳۸۸). *زمینه شناخت تنبور*، تهران: انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
- لاهیجی، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۰). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، تهران: انتشارات زوار.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۹۳). *حاجی بکتاش ولی و متون بکتاشیه*، قم: انتشارات ادیان. مصاحبه با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوازدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۹.

اشتراکات و افتراقات خاندان‌های اهل حق / ۸۳

- مصاحبه با سید سیف‌علی عالی قلندری، قسمت چهارم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵
- مصاحبه با سید سیف‌علی عالی قلندری، قسمت سوم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۵
- مصاحبه با سید سیف‌علی عالی قلندری، قسمت هفتم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۹
- مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت اول، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۳
- مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت دوم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۳
- مصاحبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت ششم، کرمانشاه، ۹۴/۱۲/۸
- مصاحبه با سید مسعود افضلی شاه‌ابراهیمی، قسمت نهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۴
- مصاحبه با یکی از مطلعان از طریقت خاکسار، قسمت سیزدهم، کرمانشاه، ۹۴/۸/۲۸
- مصاحبه تلفنی با سید رحمت‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت هفدهم، ۹۵/۶/۱۵
- مکاتبه با سید کرم‌الله شاه‌ابراهیمی، قسمت چهاردهم، ۹۴/۸/۳۰
- مینورسکی، اعتمادالسلطنه، دکتر سعید خان کردستانی (بی‌تا). سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق، تهران: انتشارات سها.

